



Divine Success and Its Relationship with Moral Education

Seyyed Mohammad-Reza Mousavi-Nasab¹ , Hadi Hossein-Khani²

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
(Responsible Author).

smrn1346@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

h.hosseinkhani@yahoo.com

Received: 2024/01/11; Accepted: 2024/07/03

Extended Abstract

Introduction and Objectives: Education encompasses all aspects and domains of human life. Moral education has always been paid attention to as one of the most important, sensitive, and fundamental domains. Moral education is providing conditions and employing methods to foster, strengthen, and establish moral qualities, behaviors, and manners, while also correcting and eliminating immoral traits, behaviors, and manners in oneself or others (Banari, 2000, pp. 539-568). In simpler terms, moral education can be defined as providing the necessary conditions for shaping and nurturing the traits, dispositions, and behaviors of oneself and others towards attaining success and happiness. Factors such as heredity, environment, and will, are generally mentioned in the educational process. Thus, all programs are planned based on these factors in the settings of education. In the perspective of Divine and Islamic schools of thought and religious literature, including verses, narrations, and the Islamic thinkers' words based on faith in Allah and belief in Divine Lordship, the role of non-material or metaphysical factors such as Divine success is emphasized. All religious scholars have attributed their success to Divine success in attaining high knowledge levels and morality. Therefore, this study, while reviewing topics such as the reality of Divine success, its relationship with the stages of creation and other Divine names, human will and effort, and factors attracting Divine success, addresses the central question: What is the relationship between belief in Divine success, defined as the belief that Allah, the Almighty, organizes and coordinates the means to achieve a desired outcome and moral education? Or, how does belief in Divine success impact moral education?

Method: This study, with an intra-religious approach and using library and documentary sources, describes and analyzes the role of Divine success in moral education.

Results: One of the Divine names is '*Muwaffiq*', the coordinator and harmonizer of causes and conditions to achieve an objective. This name plays a role in all stages and levels of existence, from Divine will to creation and achieving results. This study shows that in the human realm, Divine success harmonizes between Divine creative Lordship and legislative Lordship, and among all causes, the will of humans is considered one of the causes of a longitudinal relationship with Divine will. Since, based on the principle of Divine action, the management of the world and all affairs is conducted





Research Institute of
Hawzah and University

Islamic Education

Journal homepage: <https://islamicedu.rihu.ac.ir/>



Original Article

with Divine permission, it is necessary for the path of self-improvement and the struggle against the self to realize that one cannot traverse the stages of happiness and perfection solely by relying on one's knowledge, awareness, and efforts. Thus, one must rely on only Divine aid and believe that without Divine success and grace, he cannot overcome the self and its desires (Mesbah Yazdi, 2004, p. 268).

The studies show that belief in Divine success creates motivation and will to strive; brings peace and tolerance for difficulties; distances one from despair; fosters humility and deters pride and selfishness; instills a sense of dependency on Allah and a spirit of vigilance concerning the factors and obstacles to obtaining Divine success. In addition to enhancing individual morality, this vigilance positively affects social relationships and morality with others. The structure of narrations related to Divine success also revealed that, in some narrations, Divine success is introduced as a factor that elevates and distances one from worldly attachments, sin, and performing obligatory acts. In other narrations, achieving happiness and ultimate success, as the goal of moral education, is attributed to Divine success, and the infallibles have accompanied the acceptance of their prayers with Divine success. It was also noted that the Holy Qur'an attributes many moral values, such as patience, perseverance, seeking assistance, maintaining lawful wealth, repentance and forgiveness, being receptive to advice, respecting parents, and having good company, to Divine success, grace, and guidance.

Discussion and Conclusion: In religious literature, Divine success is introduced as an important and fundamental topic; believers are advised not to forget Divine success and always seek and request it from Allah, the Almighty, in their affairs. Therefore, educators, trainers, and those responsible should pay attention to Divine success and acquaint their trainees with the factors of obtaining and the obstacles to achieving Divine success, and educational resources should also allocate lessons to this topic.

Keywords: Divine Success, Moral Education, Belief In Divine Success.

Cite this article: Seyyed Mohammad-Reza Mousavi-Nasab & Hadi Hossein-Khani. (2024), "Divine Success and Its Relationship with Moral Education", *Islamic Education*, 19(49), 69-83.



باور به توفیق الهی و نقش آن در تربیت اخلاقی

سید محمدرضا موسوی نسب^۱، هادی حسین خانی^۲

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

smrnm1346@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

h.hosseinkhani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

چکیده گسترده

مقدمه و اهداف: فرایند تربیت تمامی ساحت‌ها و حوزه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد. حوزه تربیت اخلاقی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و زیربنایی‌ترین ساحت‌های تربیتی، همواره مورد توجه بوده است. تربیت اخلاقی فرآیند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب ضد اخلاقی در خود یا دیگری است (بناری، ۱۳۷۹، ۵۳۹-۵۶۸). به بیانی ساده‌تر می‌توان تربیت اخلاقی را به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای شکل‌دهی و شکوفاسازی صفات، ملکات و رفتارهای خود و دیگران در راستای رسیدن به فلاح و سعادت تعریف کرد.

در فرایند تربیت به‌طور کلی از عوامل اثرگذاری مانند وراثت، محیط و اراده یاد می‌شود. از این‌رو در فضاهای تعلیم و تربیت نیز تمام برنامه‌های تربیتی بر اساس همین عوامل برنامه‌ریزی می‌شود.

در نگاه مکاتب الهی و اسلامی و در ادبیات دینی اعم از آیات، روایات و کلمات اندیشمندان اسلامی که بر ایمان به خداوند و اعتقاد به توحید ربوبی مبتنی است بر نقش عوامل غیرمادی یا متافیزیکی مانند توفیقات الهی، تأکید شده است. به‌گونه‌ای که همه عالمان دینی موفقیت خود را در گذراندن مدارج عالی معرفتی و اخلاقی به توفیق الهی معرفی کرده‌اند.

از این‌رو پژوهش حاضر، ضمن بازخوانی موضوعاتی مانند حقیقت توفیق الهی، رابطه توفیق الهی با مراتب آفرینش و سایر اسما الهی، اراده و تلاش انسان و همچنین عوامل جذب توفیق الهی، به این پرسش محوری می‌پردازد که باور به توفیق الهی یعنی «اعتقاد به اینکه خداوند متعال اسباب رسیدن به یک امر مطلوب را سامان دهد و هماهنگ می‌کند» چه رابطه‌ای با تربیت اخلاقی دارد یا اینکه باور به توفیق الهی چگونه بر تربیت اخلاقی اثر می‌گذارد.

روش: این پژوهش با رویکردی درون‌دینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با هدف توصیف و تحلیل نقش توفیق الهی بر تربیت اخلاق انجام گرفته است.

نتایج: مؤفق یکی از اسما الهی است و به معنی هماهنگ‌کننده و سازگارکننده اسباب و شرایط برای رسیدن به هدف است. این اسم در همه مراحل و مراتب هستی از مشیت الهی تا آفرینش و رسیدن به نتیجه، نقش سازگاری بین اسباب را دارد. این بررسی نشان داده که توفیق در عالم انسانی سازگاری بین ربوبیت تکوینی و ربوبیت تشریحی است و در میان همه اسباب اراده انسان به عنوان یکی از اسباب رابطه طولی با اراده الهی دارد.

از آنجاکه بر اساس توحید افعالی تدبیر عالم و همه کارها با اجازه خداوند انجام می‌شود، بنابراین در طریق خودسازی و مبارزه با نفس نیز باید توجه داشت که تنها با تکیه بر علم و آگاهی و تلاش خود نمی‌توان مراحل سعادت و کمال را طی کرد. از این‌رو انسان باید تنها بر یاری و مدد الهی تکیه کند و باور داشته باشد بدون توفیق و عنایت خداوند نمی‌تواند بر نفس و خواهش‌های آن پیروز شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۲۶۸).





نوع مقاله: پژوهشی

بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که باور به توفیق الهی باعث ایجاد انگیزه و اراده برای تلاش؛ ایجاد آرامش و تحمل مشکلات؛ دوری از ناامیدی؛ پرورش فروتنی و دوری از غرور و خودخواهی؛ احساس فقر الی الله و روح مراقبه بر عوامل و موانع کسب توفیق، می‌شود. این مراقبت‌ها افزون بر رشد اخلاق فردی بر روابط اجتماعی و اخلاق اجتماعی انسان‌ها نیز تأثیر مثبت می‌گذارد.

در بررسی هندسه روایات مربوط به توفیق الهی نیز روشن شد که در برخی از روایات توفیق عامل تعالی بخش و دوری‌کننده از دنیاگرایی، معصیت و انجام واجبات معرفی شده است. در برخی دیگر از روایات نیز رسیدن به سعادت و فوز به عنوان غایت تربیت اخلاقی به توفیق الهی نسبت داده شده است و همچنین معصومین اجابت دعاهای خود را با توفیق الهی همراه ساخته‌اند؛ و در پایان به این نکته اشاره شد که در قرآن کریم نیز موارد بسیاری از ارزش‌ها اخلاقی مانند صبر؛ استقامت و استمداد؛ رعایت مال حلال، توبه و استغفار؛ موعظه‌پذیری، احترام به والدین، داشتن هم‌نشین خوب، به توفیق، لطف و عنایت و راهنمایی پروردگار نسبت داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: در ادبیات دینی توفیق الهی به عنوان یکی از موضوعات مهم و اساسی معرفی شده است؛ و به بندگان سفارش شده است توفیق الهی را فراموش نکرده و در کارهای خود توجه و درخواست از خداوند متعال را فراموش نکنند؛ از این رو بر دست‌اندرکاران تربیت، مربیان و متولیان لازم است با باور به این موضوع بحث از توفیق الهی را مورد توجه قرار داده و متریبان خود را نسبت به عوامل کسب توفیق و موانع دستیابی به توفیق الهی آشنا سازند و در منابع آموزشی معرفتی نیز درس‌هایی به این موضوع اختصاص داده شود.

واژگان کلیدی: توفیق الهی، تربیت اخلاقی، باور به توفیق الهی.

استناد: سید محمدرضا موسوی‌نسب؛ هادی حسین‌خانی (۱۴۰۳)، «باور به توفیق الهی و نقش آن در تربیت اخلاقی»، مجله تربیت اسلامی،

۱. مقدمه

فرآیند تربیت تمامی ساحت‌ها و حوزه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد. حوزه تربیت اخلاقی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و زیربنایی‌ترین ساحت‌های تربیتی، همواره مورد توجه بوده است. در فرآیند تربیت به‌طورکلی از عوامل اثرگذاری مانند وراثت، محیط و اراده یاد می‌شود. از این‌رو در فضاهای تعلیم و تربیت نیز تمام برنامه‌های تربیتی بر اساس همین عوامل برنامه‌ریزی می‌شود. در نگاه مکاتب الهی و اسلامی و در ادبیات دینی اعم از آیات، روایات و کلمات اندیشمندان اسلامی که بر ایمان به خداوند و اعتقاد به توحید ربوبی مبتنی است بر نقش عوامل غیرمادی یا متافیزیکی مانند توفیقات الهی، تأکید شده است. به‌گونه‌ای که همه عالمان دینی موفقیت خود، در گذراندن مدارج عالی معرفتی و اخلاقی را به توفیق الهی نسبت می‌دهند.

از این‌رو پژوهش حاضر، ضمن بازخوانی موضوعاتی مانند حقیقت توفیق الهی، رابطه ربوبیت تکوینی و تشریحی با اراده و تلاش انسان، به این پرسش محوری می‌پردازد که توفیق الهی و باور به آن چه رابطه‌ای با تربیت اخلاقی دارد؟ این پژوهش با رویکردی درون‌دینی و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی انجام خواهد گرفت. بدیهی است که توسعه مطالعات و پژوهش در این زمینه‌ها می‌تواند مقدمات تحول در اهداف، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت جامعه اسلامی را شکل دهد.

۲. مفاهیم

مهم‌ترین کلیدواژه‌های این پژوهش را تربیت اخلاقی و توفیق الهی و باور به توفیق الهی تشکیل می‌دهد. از این‌رو در ادامه به تعریف آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱. تربیت اخلاقی

«تربیت اخلاقی» ترکیبی از تربیت و اخلاق است. درباره مفهوم لغوی و اصطلاحی این واژه فراوان نوشته شده است از این‌رو از تکرار پرهیز کرده و تنها به تعریف اصطلاحی منتخب این دو واژه بسنده می‌کنیم. «تربیت به معنی ایجاد زمینه‌ها، رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه‌های مؤثر جهت شکوفایی و پرورش استعدادهای متربی در ابعادی که از آن‌ها به نام ساحت یاد می‌کنیم، با هدف ایجاد تعادل و هماهنگی میان آن‌ها تا از این راه متربی در روندی تدریجی و مستمر با اراده آزاد و فعال به مدیریت تمامی خواستنی‌ها صی خود نائل آمده، به سوی کمال مطلق (خدا گونگی و قرب الهی) رهنمون شود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۵۰).

درباره تعریف اخلاق نیز به تبیین علامه مصباح رحمته‌الله بسنده می‌کنیم که می‌فرماید: «موضوع اخلاق اعم از ملکات اخلاقی است و همه کارهای ارزشی انسان را که متّصف به خوب و بد می‌شوند و می‌توانند برای نفس انسانی کمالی را فراهم آورند یا موجب پیدایش رذیلت و نقصی در نفس شوند، در برمی‌گیرد... بنابراین، می‌توان گفت: موضوع اخلاق، موضوع وسیعی است که شامل ملکات، حالات نفسانی و افعالی می‌شود که رنگ ارزشی داشته باشند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۱۴). حالات نفسانی مفهومی عامی است و شامل همه عوارض از جمله شناخت‌های اختیاری که جنبه ارزشی داشته و در کمال‌نفس اثر دارند نیز می‌شود. بنابر دیدگاه علامه مصباح موضوع اخلاق شامل همه بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های ارزشی که در کمال‌نفس اثرگذار هستند، می‌شود.

بنابراین با توجه به دو تعریف ارائه شده تربیت اخلاقی عبارت است از: فرآیند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب ضد اخلاقی در خود یا دیگری است (بناری، ۱۳۷۹، ص ۵۳۹-۵۶۸). به بیانی ساده‌تر می‌توان تربیت اخلاقی را به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای شکل‌دهی و شکوفاسازی صفات، ملکات و رفتارهای خود و دیگران در راستای رسیدن به فلاح و سعادت تعریف کرد.

هرچند فرآیند تربیت اخلاقی بیشتر ناظر به فعالیت مربی است؛ اما با توجه به ترکیب دو واژه تربیت که به دیگرسازی و اخلاق که بیشتر به خودسازی ارتباط دارد، می‌توان گفت جریان تربیت اخلاقی به دو حوزه دگرسازی و خودسازی توجه دارد (همان).

۲-۲. توفیق

۲-۲-۱. مفهوم توفیق

توفیق مصدر باب تفعیل از ریشه «و-ف-ق» است. در لغت به معنای موافق بودن یا موافق گرداندن، اتفاق نظر داشتن، موافقت و تصدیق کردن، میان کسانی را اصلاح کردن و آشتی دادن، ارشاد شدن کسی توسط خداوند و فراهم شدن شرایط کافی برای انجام کار خیر برای یک فرد از سوی خداوند تعریف کرده‌اند. راغب می‌نویسد: الْوَفُوقُ: همگونی و سازگاری بین دو چیز است. همان‌گونه که در قرآن آمده است جَزَاءٌ وَفَاقًا (النبا، ۲۶) یعنی جزا و عذاب همگون با عملی است که انجام داده است؛ و در ادامه می‌نویسد: در باب افتعال «اتفاق» به معنی سازگاری عمل انسان با تقدیر است که می‌تواند شامل امور خیر و شر هر دو شود؛ ولی از باب تفعیل «التَّوْفِيقُ» در عرف فقط در امور خیر به کار برده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۷). آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: «نظم ویژه اسباب و علل اختیاری و غیراختیاری که مایه تحقق حق، خیر، حسن و صلاح شود، توفیق الهی است و خلاف آن، یعنی باطل، شر، قبیح و طلاح، بر اثر خذلان خداست» (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹، ص ۲۳۷).

پس اگر برای انجام کاری زمینه فراهم شد، در واقع میان آن کار و شرایط انجامش، هماهنگی و مطابقت ایجاد شده است و این همان توفیق انجام آن است.

توفیق در معنای لغوی (سازش) در قرآن کریم در مواردی مانند سازش بین طرفین نزاع (نساء، ۶۲) و بین همسران (نساء، ۳۵) و سازگاری بین عمل و جزاء (نبا، ۲۶) به کار برده شده است (نساء، ۳۶ و ۶۲). و در روایات نیز در موارد متعددی به معنای سازگاری و هماهنگی به کار رفته است چنانچه در صحیفه آمده است «مُحَمَّدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِبَصْدَقِ النَّبِيِّ؛ سیاسی که ظاهرش با باطنش و درونش با صدق نیت هماهنگ باشد» (صحیفه، ۱۳۷۶، دعای ۴۷، ۲۱۴).

کلمه توفیق به‌عنوان مصدر معلوم به معنی اسم فاعل «مُوفَّقٌ» یعنی هماهنگ‌کننده در باره خداوند به کار برده می‌شود. در حقیقت وقتی رابطه خداوند را نسبت به فراهم کردن و هماهنگ کردن اسباب تحقق یک امر مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهیم، می‌گوییم خداوند توفیق داد. از این باب خداوند متعالی نیز در ادعیه به اسم «یا مُوفَّقُ» (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۹۴، ص ۲۲۷) مورد خطاب قرار گرفته است و به‌عنوان مصدر مجهول به معنی اسم مفعولی (مُوفَّقٌ) نیز به کار برده می‌شود در این صورت منظور بنده‌ای است که توفیق پیدا کرده است و اسباب برای رسیدن به منظور برایش فراهم شده است.

۲-۲-۲. مفهوم اصطلاحی توفیق و بی‌توفیقی

برای دستیابی به تعریف اصطلاحی «توفیق الهی»، با در نظر گرفتن معنای لغوی و مراجعه به آیات، روایات و سخن اندیشمندان و مفسران اسلامی ملاک‌هایی را مشخص و سپس به تعریف آن خواهیم پرداخت.

لغت‌شناسان و مفسران بر این نکته تأکید کرده‌اند که در قرآن تنها در آیه ۸۸ سوره هود توفیق در معنای اصطلاحی خود به کار رفته است، این آیه درباره حضرت شعیب علیه السلام است که پس از همه تلاش‌ها و امر و نهی‌ها نسبت به امت می‌فرماید: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ؛ تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح [شمارا] نمی‌خواهم؛ و توفیقم فقط به [یاری] خداست؛ بر او توکل کردم و به‌سوی او باز می‌گردم».

در ادامه به نکته‌هایی که در باره توفیق گفته شده است اشاره می‌کنیم.

۱. همه امور در دست خداوند متعال است و از این رو باید به مشیت و اراده و قدرت الهی توجه کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۱۱۲)؛

۲. توفیق الهی از مقایسه بین ذات الهی و مخلوقاتش انتزاع می‌شود بنابراین از صفات فعل الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۰۱)؛

۳. توفیق امری وجودی است و به اعطای الهی وابسته است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹، ص ۲۳۷)؛

۴. در توفیق باید اسباب لازم تحقق یک امر فراهم شود و موانع آن برطرف شود (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۲۴)؛

۵. برای تحقق هر امری باید اسباب درونی (مربوط به انسان: علم، اراده، تدبیر، توانایی جسمانی و مانند آن) و بیرونی (مربوط به خداوند مشیت، اراده، تقدیر، لطف، فضل، رحمت، هدایت، نصرت الهی و محیط و زمان و مکان و مانند آن) متناسب با آن امر هماهنگ شوند (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۴۵؛ نظام الأعرج، ۱۴۱۶، ق، ج ۴، ص ۴۵)؛
۶. بنده باید فعل و ترکش را مطابق با امر و نهی الهی چینش کند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ه. ق، ص ۴۲؛ نظام الأعرج، ۱۴۱۶، ق، ج ۴، ص ۴۵)؛
۷. در توفیق اراده انسان و فعل انسان موافق با تقدیر و قضای الهی است (مدنی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۲، ص ۴۱۷)؛
۸. در توفیق تدبیر و اندیشه انسان با تقدیرات الهی هماهنگ است (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۹۱، ص ۲۵)؛
۹. در توفیق باید یک هدف مطلوب و ارزشمند وجود داشته باشد (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۲۴).
- بنابراین با توجه به تعریف لغوی و توضیحات ارائه شده می توان توفیق را این گونه تعریف کرد: سامان دادن خداوند اسباب و شرایط را از سویی و برطرف کردن موانع از سوی دیگر مطابق و هماهنگ با اراده و تلاش بنده نسبت به یک امر مطلوب.
- در مقابل توفیق، بی توفیقی یا خذلان، وانهادن و فرونهادن (معین، ۱۳۸۴، ص ۴۱۱) است. به این معنی که خداوند اسباب طاعت را برای بنده ای فراهم نسازد یا اسباب معصیت را از وی بازدارد.
- علامه طباطبایی در ذیل آیه «وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»؛ ما ایشان را وامی گذاریم تا در طغیان خود سرگردان شوند. می فرمایند معنی آیه این است که ایشان را بر نفس شان کمک نمی کنیم و خلاصه توفیق را از ایشان سلب می کنیم و همین معنا برابر با به خودشان وا گذاشتن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۹۷).

۲-۲-۳. باور به توفیق الهی

- کلمه باور در لغت به معنی یقین و اعتقاد آمده است (معین، ۱۳۸۴، ص ۱۷۸) در این بررسی نیز باور را با ایمان و عقیده یکسان در نظر می - گیریم و مراد از آن شناختی قطعی و بدون شک است که در قلب یک مسلمان وجود دارد. بنابر این وقتی می گوئیم باور به توفیق الهی، این اعتقاد و شناخت قطعی است که خداوند متعال اسباب رسیدن به یک امر مطلوب را سامان دهی و هماهنگ می کند.
۱. پیشینه: در بسیاری از تفاسیر فریقین ذیل آیه ۹۹ سوره هود درباره توفیق الهی مباحثی مطرح شده است؛ که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. سایر منابع نوشتاری نیز به بحث هایی درباره مفهوم شناسی، حقیقت، آثار، عوامل و اسباب کسب توفیق الهی پرداخته اند که گزارش آن تقدیم می شود.
- برخی از منابع به چیستی توفیق الهی و عوامل و آثار آن پرداخته اند. بابایی خورزوقی (۱۳۹۹) در کتاب «توفیق انجام کار خیر» به چیستی توفیق، زمینه ها و عوامل کسب توفیق و بخشی از آثار توفیق الهی اشاره کرده است. سید فقیهی (۱۳۹۱) نیز در مقاله «عوامل بیرونی مؤثر بر نیازهای انسان» توفیق الهی را به عنوان عاملی مهم در فراهم آوردن زمینه های لازم برای ترجیح نیازهای معنوی بر نیازهای مادی پرداخته و بر این باور است که بدون توفیق الهی در جهت دهی به نیازها انتخاب نادرست صورت می گیرد. حیدرزاده و بهروان فر، (۱۴۰۲) در مقاله «راه کارهای کسب توفیق الهی و پیامدهای آن از منظر آیات و روایات» برای توفیق الهی آثاری را شمرده اند که عبارت اند از: عمل به تکالیف دینی، دستیابی به توبه، دوری از اطاعت شیطان، شکر خدا و ازدیاد نعمات، شرح صدر، قبولی اعمال و جلوگیری از خسران، مغفرت الهی و رسیدن به بهشت. دیالمه (۱۳۸۹) در مقاله «مفهوم شناسی سنت توفیق و اسباب تحقق آن از منظر وحی» ضمن اشاره به سنت های الهی، سنت توفیق را به چگونگی جریان تأثیرگذاری این سنت در سه ساحت شناختی، عاطفی و رفتاری از طریق، زیادتی معرفت، الهامات قلبی و توانمندی عمل به خیر در شرایط سخت اشاره کرده است و در پایان به برخی عوامل دستیابی افراد و امتها به خیر و سعادت از دیدگاه قرآن اشاره کرده است.

برخی منابع موانع توفیق یا عوامل سلب توفیق را بررسی کرده اند. صحرايي (۱۳۸۸) در کتاب «عوامل سلب توفیق» به زمینه های سلب توفیق در دو بخش عوامل مشترک (جهل، بی نظمی و افراط و تفریط و ناامیدی و مدیریت نالایق وابستگی به بیگانگان و ناامنی و بی ثباتی) و

عوامل اختصاصی (انکار معاد، هم‌نشینی با دوستان ناباب، تأخیر توبه، دنیاگرایی، حرام‌خوری و محیط‌های آلوده، خودمحموری، بی‌عدالتی و مانند آن) پرداخته است.

برخی منابع علاوه بر عوامل و موانع به رابطه آن با اراده انسان پرداخته‌اند. رنجبر حسینی و عرب احمدی (۱۴۰۰) در کتاب خود با عنوان «توفیق الهی از منظر آیات و روایات» پس از واژگان‌شناسی به چیستی‌شناسی توفیق الهی، عوامل کسب یا سلب توفیق الهی، مصادیق و گستره آن در زندگی انسان اشاره و در گفتار پایانی به ارتباط توفیق الهی با اختیار انسان بر محور آیات و روایات، پرداخته است. محمد حسینی و مسعودی (۱۳۹۱) در مقاله «توفیق و عوامل تحقق آن در روایات» به رابطه توفیق و اراده انسان پرداخته است.

ادبیات پیشینه نشان می‌دهد موضوع توفیق الهی از زوایای متعددی مورد توجه قرار گرفته است، اما از این نگاه که توفیق الهی و باور به آن چگونه می‌تواند منجر به تربیت اخلاقی شود کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در ادامه نخست بخشی از مبانی مربوط به توفیق الهی را مورد توجه قرار می‌دهیم؛ و سپس آیاتی که نشان‌دهنده تحقق ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر توفیق الهی را یادآور می‌شویم. در ادامه با توجه به هندسه روایات مربوط به توفیق رابطه آن را با تربیت اخلاقی نشان خواهیم داد و در پایان به تحلیل نقش باور به توفیق الهی در تربیت اخلاقی خواهیم پرداخت.

۲. مبانی باور به توفیق الهی: بحث از توفیق الهی مبتنی بر مبانی و باورهای متعددی در حوزه خداشناسی و انسان‌شناسی که در جای خود مورد توجه قرار گرفته است. از این رو تنها به دو موضوع جایگاه توفیق الهی در ربوبیت تکوینی و تشریحی و رابطه آن با اراده و تلاش انسان را مورد توجه قرار خواهیم داد. انتخاب این دو مبنا از این جهت است که از سویی نیاز انسان به لطف و توفیق الهی مشخص شود و از سوی دیگر نقش فعال و اثرگذار انسان در رشد اخلاقی و تربیت اخلاقی مشخص شود.

۳. توفیق الهی و ربوبیت تکوینی و تشریحی: یکی از اسماء الهی که در کتاب‌های آسمانی به‌ویژه قرآن کریم جایگاه باعظمتی دارد اسم رب است. این اسم از امهات اسماء مقدسه است و در آن اسم الخالق، العليم، القدير، المدبر و الحکيم و غيرها نهفته است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۴. ق، ج ۱، ص ۲۵). بر اساس این اسم ربوبیت خداوند متعال مطرح می‌شود.

خداوند در مقام تربیت و پرورش همه موجودات عالم به‌ویژه انسان هر آنچه را که لازمه این هدایت و تربیت بوده است را در قالب ربوبیت تکوینی و تشریحی طراحی و برنامه‌ریزی کرده است. ربوبیت تکوینی الهی اقتضا دارد که انسان از راه اراده و حسن اختیار خویش کمال یابد و کامل شود (مصباح، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹۰). بنابراین خداوند بر اساس ربوبیت تکوینی خود انسان را خلق کرد و همه اقتضانات و اسباب لازم برای رسیدن او به هدف و سعادت را تکویناً فراهم ساخت؛ اما از آنجا که این اقتضانات برای رسیدن انسان به سعادت کافی نبوده است خداوند هدایت‌ها و راهنمایی‌های خود را از طریق ربوبیت تشریحی و به‌وسیله حجج‌های درونی (عقل و فطرت) و حجج‌های بیرونی (انزال کتب و ارسال رسل) به‌صورت دستورات ارشادی یا مولوی در اختیار انسان قرار داده است.

علامه مصباح در این‌باره می‌نویسند: «لازمه پذیرش ربوبیت تکوینی، اعتقاد به ربوبیت تشریحی است؛ یعنی اعتقاد به این‌که هر چه خدا دستور داده است، باید اطاعت گردد. (ربوبیت تشریحی) تنها به تدبیر اختیاری انسان‌ها مربوط می‌شود که برخلاف سایر مخلوقات، حرکات و آثار و تکامل‌شان درگرو افعال اختیاری خودشان است و عبارت است از این‌که خداوند راه مستقیم و صحیح را به انسان معرفی می‌کند و برای زندگی فردی و اجتماعی انسان دستور و قانون وضع می‌کند» (همان، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۹۰).

با توضیحی که ارائه شد مشخص است که بین ربوبیت تکوینی و ربوبیت تشریحی سازگاری و هماهنگی وجود دارد؛ البته این موضوع را از این سو نیز می‌توان مطرح کرد که وقتی بنده به اوامر و نواهی الهی گوش فرا می‌دهد و عمل می‌کند، بر طبق سنت الهی یا نظام تکوین، اسباب و شرایط رسیدن به هدف برای او فراهم می‌شود و هماهنگی و سازگاری بین نظام تکوین و اراده و کوشش بنده ایجاد می‌شود. به‌عنوان مثال خداوند خواسته است تا بنده نماز بخواند ابزار و وسایل آن را برای بنده فراهم ساخته است (ربوبیت تکوینی) و انسان را به خواندن نماز امر کرده است (ربوبیت تشریحی) بنده هم با اراده و اختیار خود موفق به خواندن نماز می‌شود و به سعادت و فوز (بر اساس ربوبیت تکوینی یا سنت الهی) دست پیدا می‌کند.

۴. رابطه توفیق الهی با اراده و عمل انسان: با توجه به اینکه همه امور به توفیق الهی صورت می‌پذیرد، برای اراده، انتخاب و تلاش و کوشش انسان چه جایگاهی وجود دارد؟

در جای خود ثابت شده است که اراده خدا و انسان، در عرض هم نیستند تا اراده خدا جانشین اراده انسان شود، بلکه در طول یکدیگرند. علامه مصباح در این باره می‌نویسند: بر اساس اعتقاد به توحید افعالی، همه کارها و حتی رفتار اختیاری انسان با توفیق، مدد الهی و مشیت خداوند و از مجرای اراده انسان انجام می‌پذیرد. در واقع انسان در انجام دادن آن‌ها استقلال ندارد و به توفیق الهی کارها انجام می‌شود (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۲۷۷). در حقیقت در رفتار انسان هم اراده خود انسان دخالت دارد و هم اراده خداوند، اراده آدمی درخواست و نیت او برای روی آوردن به کاری یا و نهادن آن نمود می‌یابد و اراده خداوند در هدایت انسان و توفیق او در آنچه اراده کرده است تجلی می‌کند (رفیعی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵-۱۷۱). بنده اراده می‌کند تا نماز بخواند و خداوند اراده می‌کند او را یاری و مدد رساند تا نماز را به پا دارد.

با توجه به مطالب پیش گفته رابطه توفیق و عمل و تلاش نیز روشن می‌شود. به این معنی که توفیق الهی آنگاه که با اراده و عمل همراه شود به فرد کمک می‌کند تا به بهترین نتیجه دست یابد. در این باره امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: «وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَ لَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ؛ هرکس از خدا توفیق بخواهد و کوشش ننماید خود را مسخره کرده است» (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۷۵، ص ۳۵۶)؛ و نیز امام کاظم (علیه السلام) به مردی که استطاعت و قوت بدنی را برای انجام کاری کافی می‌دانست فرمودند: البته به تو توانایی داده شده است اگر مدد هم باشد. پرسید مدد چیست؟ فرمودند: توفیق. پرسید: توفیق دادن برای چه؟ فرمود اگر توفیق داده شده باشد عمل می‌کند وگرنه ممکن است کافر از تقوی تر و توانا تر باشد؛ اما چون توفیق به او داده نمی‌شود عمل هم نمی‌کند در پایان حضرت فرمودند به یاد آور گفته آن مرد صالح را که گفت و ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۲) بنابراین تمسک کاهلان در طاعات و سستی کنندگان در خیرات به اینکه توفیق رفیق نیست یا نعمتی است که به هرکس ندهند، تماماً بی‌وجه خواهد بود (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۲۴).

۵. اهمیت توفیق الهی در تربیت اخلاقی: از آنجاکه بر اساس توحید افعالی تدبیر عالم و همه کارها با اجازه خداوند انجام می‌شود، بنابراین در طریق خودسازی و مبارزه با نفس نیز باید توجه داشت که تنها با تکیه بر علم و آگاهی و تلاش خود نمی‌توان مراحل سعادت و کمال را طی کرد. از این رو انسان باید تنها بر یاری و مدد الهی تکیه کند و باور داشته باشد بدون توفیق و عنایت خداوند نمی‌تواند بر نفس و خواهش‌های آن پیروز شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۸). علامه مصباح درباره اهمیت توفیق در رشد اخلاقی می‌فرماید: مهم‌تر از برخورداری از ابزار هدایت، توفیق و مدد الهی برای دستیابی به هدایت است، پس از آنکه خداوند ما را از عقل، وحی و هدایت پیامبران و اولیای خویش برخوردار ساخت، مهم‌ترین نیاز ما توفیق الهی برای وصول به هدایت است؛ توفیقی که در پرتو آن، انسان به سعادت و هدایت اصلی و نهایی دست می‌یابد. (همو) و در جای دیگر می‌فرماید: مسیر بندگی خداوند پر فراز و نشیب است و انسان با مدد الهی و دریافت توفیق از او، باید موانع را کنار نهد و مراتب و مراحل بندگی را پشت سر گذارد تا به والاترین مدارج اخلاص و بندگی خداوند دست یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

۲-۲-۴. توفیق الهی و تربیت اخلاقی

این پژوهش مدعی است که توفیق الهی و باور به آن در تربیت اخلاقی اثرگذار است. از این رو در ادامه این موضوع را با توجه به آیات و روایات و تحلیل ذهنی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. توفیق الهی و تربیت اخلاقی در آیات: آیات قرآن نشان می‌دهد، بسیاری از ارزش‌های اخلاقی به واسطه توفیق الهی بدست می‌آیند. برخی از این امور عبارت‌اند از: اجتناب از اطاعت شیطان (نساء، ۸۳)، تکفیر گناه (احقاف، ۱۶)، توفیق توبه (بقره، ۳۷)، توکل به خدا (هود، ۸۸)، شرح صدر (انعام، ۱۲۵) و مانند آن. از آنجا که پیامدهای توفیق الهی در آیات قرآن در برخی از مقالات مانند راه‌کارهای کسب توفیق الهی و پیامدهای آن از منظر آیات و روایات» مورد توجه قرار گرفته است، به همین اشاره اکتفا می‌کنیم.

۲. توفیق الهی و تربیت اخلاقی در روایات: روایاتی که درباره توفیق الهی وارد شده است این نکته را به خوبی نشان می‌دهد که رسیدن به کمالات نفسانی و ارزش‌های اخلاقی بدون توفیق الهی امکان‌پذیر نیست. این روایات را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:

الف) توفیق عامل تربیت اخلاقی: در برخی روایات توفیق الهی به عنوان عامل و مسیر اساسی در تربیت اخلاقی معرفی شده است. علی علیه السلام در این باره می فرماید: «التَّوْفِيقُ قَائِدُ الصَّلَاحِ؛ توفیق بهترین راهبر و کشاننده انسان به سوی پاکی و صلاح است» (همان، ص ۶۲)؛ «وَمِنَ التَّوْفِيقِ الْوُقُوفُ عِنْدَ الْحَيْرَةِ؛ با توفیق است که انسان هنگام مواجهه با شبهات و حیرات درنگ و صبر می کند» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۳)؛ و نیز می فرماید: «مَنْ أَمَدَّهُ التَّوْفِيقُ أَحْسَنَ الْعَمَلِ؛ هرکس توفیق یارش شود عمل نیکو انجام می دهد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۱۷)؛ در جای دیگر می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ وَفَقَهُ لِنَفَاذِ أَجَلِهِ فِي أَحْسَنِ عَمَلِهِ وَرَفَقَهُ مُبَادَرَةَ مَهْلِهِ فِي طَاعَتِهِ قَبْلَ الْفُوتِ؛ هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد به او توفیق می دهد تا عمرش را در بهترین کارهایش سپری کند و پیش از رسیدن مرگ انجام طاعات را روزی او می کند» (همان، ص ۱۸۱)؛ در روایت دیگری امام علی علیه السلام می فرماید: «التَّوْفِيقُ إِقْبَالُ؛ توفیق رو آوردن بخت و سعادت است» (همان، ص ۲۶). و می فرماید: «كَيْفَ يَتَمَتَّعُ بِالْعِبَادَةِ مَنْ لَمْ يَعْنِهِ التَّوْفِيقُ؛ انسان به حقیقت عبادت نمی رسد، مگر به توفیق الهی» (همان، ص ۵۱۸)؛ یعنی بهره یافتن به عبادت نیز به مجرد سعی آدمی نمی شود و یاری توفیق حق تعالی می باید، پس آن را هم نعمتی از جانب خدا باید دانست و شکر آن ها باید کرد؛

ب) توفیق عامل دوری از دنیاگرایی، معصیت و انجام واجبات: در برخی از روایات، اساس دوری از معصیت و انجام طاعت به توفیق الهی نسبت داده شده است. وقتی از امام باقر علیه السلام درباره معنی لاحول و لا قوة الا بالله سؤال می کنند امام می فرماید: «لَا حَوْلَ لَنَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ؛ (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۲۳۰)؛ ما قدرت روی برگرداندن از معصیت خدا را نداریم مگر به یاری خداوند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۶۲) در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: «هرگاه بنده بخواهد در موردی نافرمانی خداوند کند و خدای تبارک و تعالی میان او و آن معصیت حایل شود، در نتیجه بنده آن را مرتکب نشود این ترک گناه او به توفیق خداوند تبارک و تعالی بوده است، اما هرگاه جلوی آن معصیت را نگیرد و به حال خود رهاش کند تا مرتکب آن گناه شود خداوند او را واگذارده و یاریش نرسانده و توفیقش نداده است» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۰۷).

و در روایت امام کاظم علیه السلام از قول حضرت ایوب می فرماید: «که حضرت ایوب به خداوند عرض کرد: من هرگز چیزی دنیوی از تو نخواستم - حالت عجب و غرور به او دست داد - در این هنگام قطعه ابری به طرف او آمد و ندایش کرد که ای ایوب چه کسی توفیق این کار را به تو داد؟ عرض کرد توای پروردگار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۳۵۹). در این روایت روحیه زهد و ورزی از دنیا که در حضرت ایوب به وجود آمده است، صریحاً به توفیق الهی نسبت داده شده است؛

ج) رابطه دعا و درخواست های اخلاقی به توفیق الهی: در دعاهای معصوم علیه السلام درخواست بسیاری از ارزش های اخلاقی به توفیق الهی نسبت داده شده است. این دست ادعیه و روایات فراوان هستند که در ادامه تنها به چند نمونه آن اشاره می کنیم: در دعای مروی از امام عصر (عج) که با اللهم اَرْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ (قمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱) آغاز شده است موارد فراوانی از امور اخلاقی و ارزشی به توفیق الهی نسبت داده شده است که از خداوند می خواهیم اسباب آن را برایمان سامان دهد و هماهنگ سازد. امام سجاد علیه السلام در دعاهای خود روی کلمه توفیق بسیار تأکید کرده اند در مکارم اخلاق می فرماید: اللَّهُمَّ وَانْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَاهْتَمِنِي التَّقْوَى، وَفَقِّنِي لِئَتِي هِيَ أَزْكَى، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى (صحیفه، ۱۳۷۶، ص ۹۸) بار خدایا زبانم را به هدایت گویا کن و به من تقوا الهام فرما و به آن کار که پاک تر و بالنده تر است توفیقم ده و در راهی که نزد تو پسندیده تر است به کارم گیر. یا در دعای خود نسبت به فرزندان موارد فراوانی را مطرح و در پایان می فرماید: «اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ؛ (همان، ص ۱۲۴) پروردگارا همه آنچه را که درخواست کردم به توفیق و رحمتت به ما عطا بفرما». در دعای جوشن کبیر می خوانیم «يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَانِي؛ ای کسی که من را موفق ساختی و هدایت کردی» (قمی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵).

معصومان علیهم السلام در عبارات فراوانی موفقیت بر اعمال صالح، طاعت و خشنودی خداوند را بر اساس توفیق الهی طلب کرده اند. وَفَّقَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ لَطَاعَتِهِ وَ مَرْضَاتِهِ وَلِصَالِحِ الْعَمَلِ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص ۷۴۸۷).

د) توفیق الهی و دست یابی به غایت اخلاقی: بخش دیگری از روایات رسیدن به غایت اخلاقی را به توفیق الهی نسبت داده اند در این باره علی علیه السلام می فرماید: «التَّوْفِيقُ رَأْسُ السَّعَادَةِ؛ توفیق اساس خوشبختی و راه رسیدن به سعادت است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۵ و ۲۹۷).

۲-۵. باور به توفیق الهی و نقش آن در تربیت اخلاقی

در تحلیل و بررسی مطالب پیش گفته در باره توفیق الهی و باور به آن آثار اخلاقی زیر را می‌توان مطرح کرد:

۱. توجه به اراده الهی؛ توفیق الهی به بنده این بینش را می‌دهد که مشیت و خواست خداوند متعال است که کار را به نتیجه می‌رساند و تا او نخواهد تلاش و کوشش او به جایی نمی‌رسد؛ زیرا گاهی همه زمینه‌های انجام یک کار فراهم است و همه موانع نیز برطرف شده است؛ اما باز کار به نتیجه نمی‌رسد. علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِمَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُولِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِّ؛ خدا را چنین شناختم که مشاهده کردم عزم‌های جزم آدمیان را در هم می‌شکند و سعی آنان را بی‌ثمر می‌کند» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ه.ق، ۵۱۱). این نشان‌دهنده آن است که اراده‌ای قوی‌تر پشت اراده انسان قرار دارد، انسان باید تلاش سعی خود را بکند؛ اما نتیجه آن با خداوند است.

گر چه وصالش نه به کوشش دهند آن قدر ای دل که توانی بکوش

۲. دوری از خودخواهی و پرورش احساس فقر الی الله؛ باور به توفیق الهی، احساس غرور و خودخواهی را از انسان دور می‌کند، زیرا هنگامی که انسان بداند هرچه هست از او است و او باید اسباب و شرایط تحقق یک امر را سامان دهد و بی‌عنایات و الطاف الهی کار به سرانجام نمی‌رسد، پس از خودخواهی و از خودراضی بودن که ریشه همه عیوب نفس است دوری می‌کند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَلَا مُصِيبَةَ ك... رِضَاكَ بِالْحَالَةِ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا؛ هیچ مصیبتی مانند راضی بودن به حالت و وضعی که بنده در آن قرار دارد نیست» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۶). همچنین انسان متوجه این نکته می‌شود که نیازمند و فقیر درگاه خداوند متعال است. رسیدن به این درک عالی‌ترین مقام در تربیت اخلاقی است. در آیه ۱۵ سوره فاطر آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است» (فاطر، ۱۵).

هیچ اگر سایه پذیرد منم آن سایه هیچ که مرا نام نه در دفتر اشیاء شنوند

(خاقانی، قصیده ۸۲)

۳. پرورش روح مراقبه؛ باور به توفیق الهی انسان را مراقب بار می‌آورد. مراقبه یک از مهم‌ترین امور در مسیر تربیت اخلاقی است و به تعبیر علامه طباطبایی در حکم ضروری‌ای از ضروریات آن است (حسینی تهرانی، ۱۳۹۵، ص ۳۰) مراقبت را باید از دو جهت مورد توجه قرارداد:

۲-۳. انجام آنچه منجر به توفیق الهی می‌شود

آیت‌الله مجتبی تهرانی در این باره می‌فرماید: «توفیق الهی بدون سبب و منشأ و به‌طور تصادفی نصیب انسان نمی‌شود؛ بلکه بر اثر تلاش و کوشش انسان است که خداوند او را از توفیق بهره‌مند می‌کند حال آن سبب و منشأ چیست؟ می‌تواند از یک نیت یا هدفی که انسان برای کار خود در نظر می‌گیرد یا یک عمل ارزشی مثبت انسان یا دعای خیر دیگران در حق او باشد؛ و فراوان عواملی که هر کدام می‌توانند تأثیرگذار باشند» (حسینی تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۲۳۷؛ مصباح، ۱۳۸۹، ص ۴۷۰).

از آیات و روایت استفاده می‌شود که عوامل زیر در کسب توفیق الهی اثرگذارند:

«نیت خالصانه (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۶۱۹)؛ تقویت ارتباط با خداوند از طریق عبادت و دعا، ذکر و شکر (بقره، ۱۵۲) و اندیشه در نعمت‌های خداوند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۶۱۸)؛ تقویت ویژگی‌های اخلاقی مانند؛ صبر (قصص، ۵۴)؛ استقامت و استمداد (فصلت، ۳۰)؛ رعایت مال حلال (عبس، ۲۴)، توبه و استغفار (هود، ۳)؛ موعظه‌پذیری (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۶۷۸)؛ تقویت اراده و ایجاد انگیزه برای تلاش و کوشش (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۵، ص ۳۲۶)، انجام رفتارهای ارزشی مانند احترام به والدین (اسراء، ۲۳)، داشتن هم‌نشین خوب» (فرقان، ۲۸).

۲-۴. دوری از آنچه منجر به سلب توفیق می‌شود

انسان باید مراقب موانع احتمالی مسیر تربیت اخلاقی باشد؛ زیرا ممکن است همه شرایط و اسباب فراهم باشد؛ ولی موانعی در آغاز راه وجود داشته باشد یا در میان راه به وجود آید که دست‌یابی به نتیجه را با مشکل مواجه سازد. امام سجاد (علیه السلام) در دعای ابوحمزه می‌فرماید: «پروردگارا هنگامی که من همه مقدمات به پاداری نماز، حضور در مجلس صالحین و توابین را فراهم می‌کنم کسالت و خستگی بر من مسلط می‌شود سپس امام (علیه السلام) یازده عامل زمینه‌ساز در نرسیدن به نتیجه را مانند دروغ گفتن، شاکر نبودن، غافل بودن، حضور در مجالس بیهوده، کم‌حیایی و مانند آن را به‌عنوان مانع بیان می‌کنند».

از قرآن کریم هم استفاده می‌شود که پیروی از هواهای نفسانی (جاثیه، ۲۳) و انجام گناه (توبه، ۶۷) در زندگی منجر به بی‌توفیقی می‌گردد. از این رو در قرآن کریم ۳۸ مرتبه صریحاً با عبارت اتقوا الله به مواظبت و مراقبت سفارش شده است. علامه می‌نویسد: باید توجه داشت که عامل اصلی بی‌توفیقی معصیت است؛ یعنی اگر انسان از مسیر فطرت بیرون رود و از هوای نفس پیروی کند، به سبب گمراه شدن از مسیر و ثابت‌قدم گشتن در آن مستحق عقوبت و قطع رحمت و سلب توفیق الهی می‌گردد و بدین ترتیب خداوند اسباب توفیق را از او سلب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۳-۵۴).

۱. پرورش روح توکل و اعتماد به خداوند؛ اعتقاد به توفیق الهی و وجود یک قدرت بی‌نهایت که اسباب رسیدن انسان به اهداف اخلاقی را سامان می‌دهد، روح توکل را در انسان پرورش می‌دهد. حقیقت توکل به خداوند نیز از سویی به فرد انگیزه می‌دهد تا با اراده جدی و تلاش و کوشش همراه با یاری خداوند به اهداف اخلاقی خود دست یابد. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ و کسانی که برای [به دست آوردن خشنودی] ما [باجان و مال] کوشیدند، بی‌تردید آنان را به راه‌های خود [راه رشد، سعادت، کمال، کرامت، بهشت و مقام قرب] راهنمایی می‌کنیم؛ و یقیناً خدا با نیکوکاران است» (عنکبوت، ۶۹)؛ و از سوی دیگر انسان را از ناامیدی باز می‌دارد و امید و آرامش را به او هدیه می‌کند؛ زیرا می‌داند خداوند متعال به‌عنوان یک منبع قدرتمند و سامان‌دهنده امور در رأس کار است از این رو دل به او می‌سپارد و با آرامش تسلیم امر او می‌شود. شاید همین امر است که خداوند به پیامبر امر می‌کند خود را به مشقت نیفکند و تنها وظیفه خود را انجام دهد و نتیجه امور را به خداوند بسپارد. در کریمه ۲ سوره طه آمده است «مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقت و زحمت آفتی» (طه، ۲). زیرا اگر خداوند می‌خواست همه را هدایت می‌کرد «لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ؛ اگر خدا می‌خواست قطعاً همه شما را [به طور جبر] هدایت می‌کرد» (انعام، ۱۴۹).

۲. تأثیر مثبت بر روابط اجتماعی: باور به اینکه یکی از عوامل مهم جذب توفیق الهی خدمت به خلق و ارتباط سالم با دیگران است و در نقطه مقابل بدی کردن و اذیت و آزار دیگران توفیقات الهی را از انسان سلب می‌کند، انسان را در حوزه مسائل اجتماعی مراقب تربیت می‌کند. از مباحث پیش‌گفته این نکته نیز به دست می‌آید که بین توفیق الهی و تربیت اخلاقی رابطه دوسویه‌ای وجود دارد. هراندازه که انسان به امور اخلاقی بپردازد به همان اندازه توفیق الهی نصیب او می‌شود و هرچه توفیق الهی بیشتر باشد رشد و تربیت اخلاقی نیز بیشتر خواهد شد.

۳. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در ادبیات تربیتی وراثت، محیط و اراده فرد به‌عنوان عوامل تربیت معرفی شده است و نسبت به عوامل متافیزیکی و معنوی غفلت شده است. این مقاله این موضوع را از این زاویه مورد بررسی قرار داده است که باور به توفیق الهی چه نقشی در تربیت اخلاقی دارد؟ از این رو نخست هندسه روایات مربوط به توفیق الهی مورد توجه قرار گرفت؛ و نشان داده شد که در برخی از روایات توفیق به‌عنوان عامل تعالی‌بخش و سامان‌دهنده برای انجام واجبات و دورکننده از معصیت و دنیاگرایی معرفی شده است و در برخی از روایات نیز رسیدن به سعادت و فوز به‌عنوان غایت تربیت اخلاقی به توفیق الهی نسبت داده شده است و همچنین معصومین اجابت دعاهای خود را بر اساس توفیق الهی درخواست کرده‌اند؛ به این نکته نیز اشاره شد که در قرآن کریم هم موارد بسیاری از ارزش‌ها به توفیق و لطف و عنایت و راهنمایی پروردگار نسبت داده شده است.

توفیق الهی و باور به آن نیز مورد تحلیل قرار گرفت و نشان داده شد که این باور توجه به خداوند و اراده الهی را تقویت می‌کند، انسان را از خودخواهی دور و روح فقر و نیاز به پروردگار را پرورش می‌دهد. مراقبه در انجام وظایف و دوری از موانع را رشد داده و روح توکل و در نتیجه انگیزه عمل و امیدواری را در انسان زنده می‌کند.

پیشنهاد پژوهشی: حین انجام این بررسی با سؤالات متعددی روبرو شدیم که می‌تواند به عنوان موضوعات پژوهشی مورد توجه قرار گیرد برخی از این موضوعات عبارت‌اند از: رابطه توفیق الهی با توحید افعالی، جایگاه توفیق الهی در مراتب عالم هستی، رابطه توفیق الهی با هدایت، رحمت، عنایت و سایر اسماء الهی، اما موضوعی که بیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد چگونگی آموزش باور و توجه به توفیق الهی به متریبان در مقاطع مختلف آموزش است. البته در چند درس از کتاب‌های درسی به این موضوع اشاره شده است؛ اما به نظر می‌رسد فهم و باورمندی به آن نیازمند به توجه بیشتر است.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه انصاریان (۱۳۸۳). قم: انصاریان.
- * نهج البلاغه، صبحی صالح (۱۴۱۴). قم: دارالهجره.
- * علی بن الحسین (علیه السلام) (۱۳۷۶). صحیفه سجادیه. قم: دفتر نشر الهادی.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
 ۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). توحید. قم: جامعه مدرسین.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ ق). تحف العقول. مصحح: غفاری. علی اکبر. قم: جامعه مدرسین.
 ۴. بابایی خورزوقی (۱۳۹۹). توفیق انجام کار خیر. اصفهان: دارخوین. چاپ دوم.
 ۵. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵). البرهان فی تفسیر القرآن. قم، موسسه البعثه.
 ۶. بناری، علی همت (۱۳۷۹). بررسی اولویت‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: آموزش و پرورش. شماره ۴، ۵۳۹-۵۶۸.
 ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. ترجمه و تصنیف مصطفی درایتی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
 ۸. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱). ادب الهی. قم، مصابیح الهدی.
 ۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵). درآمدی بر نظام‌نامه تربیتی المصطفی (صلی الله علیه و آله). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله).
 ۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تفسیر تسنیم. قم: اسراء. ج ۳۹.
 ۱۱. حسینی تختی، محمد و سید محمد علی مسعودی (۱۳۹۶). توفیق و عوامل تحقق آن در روایات. قم: علوم و معارف قرآن و حدیث.
 ۱۲. حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۳۹۵). رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب. مشهد: علامه طباطبایی.
 ۱۳. حسینی، محمد و سوده عرب احمدی (۱۴۰۰). توفیق الهی از منظر آیات و روایات. قم: فروغ فردا.
 ۱۴. حیدر زاده، ناصر و معصومه بهروان فر (۱۴۰۲). راهکارهای کسب توفیق الهی و پیامدهای آن از منظر آیات و روایت. فصلنامه کتاب و سنت، دوره ۵، شماره ۱۰.
 ۱۵. دیالمه، نیکو (۱۳۹۰). مفهوم‌شناسی سنت توفیق و اسباب تحقق آن از منظر وحی. میبد: دانشگاه میبد. دوره ۱، شماره ۴.
 ۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم. ج اول.
 ۱۷. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دار المعرفة. ج ۱.
 ۱۸. رفیعی، بهروز (۱۳۹۶). درنگی در نسبت اراده باتربیت اخلاقی. قم: دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی و روانشناسی. س ۱۱، شماره ۲۱.
 ۱۹. رنجبر حسینی، محمد و سوده عرب احمدی (۱۴۰۰). توفیق الهی از منظر آیات. قم: فروغ فردا.
 ۲۰. شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری. تهران: میقات. ج ۱.
 ۲۱. صحرائی، محمود (۱۳۸۸). عوامل سلب توفیق. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
 ۲۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی. ج ۱۰ و ۱۲.
 ۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو. چ سوم.
 ۲۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (۱۴۱۵). نور الثقلین. تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.
 ۲۵. فقیهی، سید مجتبی (۱۳۹۱). عوامل بیرونی مؤثر بر نیازهای انسان. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 ۲۶. قمی، عباس (۱۳۷۹). مفاتیح الجنان. تهران: اسوه، چ چهارم.
 ۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۱). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی. [بی تا]. کتابخانه دیجیتال نور.

۲۸. مدنی، علیخان بن احمد (۱۴۰۹). ریاض السالکین. قم: جامعه مدرسین. ج ۷.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). به سوی خودسازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۳۰. «_____» (۱۳۸۴). به سوی تو. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۳۱. «_____» (۱۳۸۹). آموزش عقاید. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۳۲. «_____» (۱۳۹۶). نظریه حقوقی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۳۳. «_____» (۱۳۹۸). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ج ۱.
۳۴. معین، محمد، (۱۳۸۴). فرهنگ معین. (یک جلدی). تهران: ساحل.
۳۵. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۱۴). مواهب الرحمن فی تفسیر اللقرآن. نجف: موسسه المنار.
۳۶. نظام اعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دارالکتب العلمیه.